

امام علی (ع)

دانشی انوار الهی

دکتر کاظم محمدی

www.ketab.ir



کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: محمدی، کاظم، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور: امام علی (ع) / نای ارار الهی / کاظم محمدی.

مشخصات نشر: کرج نجم دیر، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۳۶ ص، ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹-۸۲-۲۹۰۵-۹۶۴-۱۳۹۶-۱ ISBN

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص[۲۱۳] - ۲۲۰؛ هدایت، صورت زیرنویس

یادداشت: نمایه

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - علم

موضوع: Knowledge -- ۶۶۱ - ۶۰۰, Ali ibn Abi - talib, Imam I,

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - فضایل - احادیث

موضوع: Virtues -- Hadiths: ۶۶۱-۶۰۰ - Imam I, Ali ibn Abi - talib,

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ الف ۳/م ۳۷/۴ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۹۰۸۷۴



نام کتاب : امام علی (ع) دانای اسرار الهی

نویسنده : دکتر کاظم محمدی

انتشارات : نجم کبری

لیتوگرافی : ناژو

چاپ و صحافی : ناژو

تیراژ : ۱۰۰۰

نوبت چاپ اول : ۱۳۹۶

قیمت : ۲۰۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۸۲-۹

فهرست

۷	مقدمه
۳۱	علم امام علی (ع)
۶۷	امام علی (ع) و قرآن
۸۳	حدیثی در خلافت و روایت و علم امام علی (ع)
۱۱۵	حدیثی به روایت نسیمی
۱۲۷	حدیثی به روایت علامه مجلسی
۱۳۷	حدیثی به روایت شیخ صدر
۱۴۶	روایت الصادقیه
۱۴۹	ترجمانی از حدیث
۱۵۱	ورود به شهر مدینه
۱۵۲	به دنبال جانشین پیامبر
۱۵۴	وصیت پیامبر (ص)
۱۵۶	پرسش از ابی بکر
۱۵۸	نگرانی سلمان فارسی
۱۵۹	امام علی (ع) و جاثلیق
۱۶۳	علی (ع) طبیب دردهای باطنی
۱۶۶	آخرین سفارش رسول خدا (ص)

۱۶۷	از من پرس
۱۷۱	جفای مردم
۱۷۱	ما و خداوند
۱۷۲	بهشت و دوزخ
۱۷۳	سیر و مباحثه
۱۷۴	عرش الهی
۱۷۶	جای خدا
۱۷۷	جای بهشت
۱۷۹	تبدیل زمین
۱۸۰	وجه خدا
۱۸۳	گزارش سلمان
۱۸۳	سخنان جاثلیق
۱۸۴	سخنان امام علی (ع)
۱۸۹	اخبار آینده
۱۹۳	ایمان جاثلیق و یارانش
۱۹۵	پرسش‌ها و پاسخ‌ها
۱۹۸	دو برادر یهودی پرسشگر
۲۰۷	روایت صادقیه
۲۱۳	کتابنامه
۲۲۱	نمایه

مقدمه

بانهام علی سرشته حق فطرت ما
از ذکر علی همی به قدرت ما
در ظاهر و باطن همه در یاد وی ایم
از اوست تمام خویشی و عشق ما

سپاس و حمد بی کران خدای حیّ ازلّی و ابدی را، دادار قیوم
صمدی و سرمدی را که لطف قدیمش شامل حال بندگان ضعیف
و مخلوقات نحیف بوده و هست و خواهد بود، آنکه ما را
بی خواست ما و به لطف و از روی حکمتش از دیار عدم به
صحرای بیکران وجود آورد و با بی نهایت ظرافتی که در نهاد
یکایک ما تعبیه فرمود راه به کمال و سعادت را در درون و برون

بر همه‌ی ما بگشود و این لطف دمی جهان پدیدار شده را رها
نکرده و آن به آن و دم به دم بر جزء و کل هستی سریان و جریان
دائمی یافته است. به زعم عارف بزرگ حضرت مولانا جلال
الدین:

ما نبودیم و تقاضا مان نبود
لطف تو ناگفته‌ی ما می شنود

اکنون نیز من بر اساس قاعده‌ی لطف خود عمل می‌کند، نه بر
اساس خواسته و گناه من، که او حکیم است و ما جاهل و نادان
که نمی‌دانیم از حضرت چه بخواهیم، کی بخواهیم، چگونه
بخواهیم، چه میزان بخواهیم. و لذا دفع خطرات و مواجهه با
امواج خروشان نعمت‌های الهی همه را جانب حکمت حکیم و
لطف لطیف مطلق است.

سلام و درود بی‌کران بر حضرت ختمی مرتبت، سلطان زمین و
زمان، راهبر انس و جان؛ و باعث پیدایش کائنات، محمد
مصطفی، جان جانان و معشوق عارفان و ممدوح اهلان. آن که
جهان از یمن او و به خاطر او پدیدار گشته و حضرت حق از
علاقه و عنایت به حضرتش فرمود: «لولاک لما خلقت الافلاک»، که
ای رسول! اگر تو نبودی جهان‌ها را خلق نمی‌کردم و لباس هستی
و وجود نمی‌پوشاندم، که هر چه هست از برای جلب رضایت
و خنکای دل جناب اوست که نازنین عالم و آدم و دردانه‌ی

حضرت حق است؛ و هر کس که به جایی رسید از لطف و عنایت او رسید، که بی توجه به او کسی مورد توجه خاص خداوند قرار نمی گیرد، و بی عنایت او کسی به کمال بایسته و شایسته نمی رسد، و به گفته ی حافظ شیرین سخن:

طفیل هستی عشق اند آدمی و پری
ارادتى بنما تا سعادتى بپری

کسی که محبوب و خداوند است و خداوند برای رضایت از هر کاری می کند؛ و او را خندان و خوش و بی درد می خواهد و در رفیع گستن نامش و در رفع خستگی اش و برطرف شدن بار گرانش حکم می کند و رضایت او را هر لحظه طلب می کند که «ولسوف يعطيك ربك فترضى»، موجودی خاص است و از فرط عظمت و بزرگی اوست که تا این دانش و ناشناخته باقی می ماند، چه کسی را یارای آن نیست که فراتر از کون و مکان، و برتر از انس و جان را در برگیرد و او را چنان که باید بشناسد و تعریف و توصیفش نماید، چنان که او را در وصف پروردگارش فرمود: «ما عرفناك حق معرفتك و ما نعبادك حق». چنان که باید تو را می شناختیم نشناختیم و آن گونه که باید حضرت را کرنش و بندگی می کردیم نکردیم، ما نیز در مقام آن ستوده ی حق، چنین باید بگوییم که آن سان که باید و شاید حضرت را می شناختیم، نشناختیم و بدان سان که باید مقامت را

ارج می‌نهادیم، ننهادیم، که در ما هم «قصور» بود و هم «تقصیر». و سلام و درود بر عین و نفس و نظیر رسول خدا، علی مرتضی، جان جانان، شیر یزدان، ستوده‌ی حی سُبْحان، امام انس و جان، هادی اولیاء و عارفان، بیرون از حد و حصر فکر و گمان، ناشناخته‌ی تمام دوران، امیر مؤمنان.

آن که قرآن کریم در مدح او کوتاهی نکرده و بزرگان علم و ادب و اندیشمندان حکمت و معرفت در وصف او بهینه‌ها را گفته و سرودند، ولی او چنان نیست که به وصف درآید، او پارادوکسی است تمام که لایوصف است و کس قادر بر شناخت او و توصیف و تبیین ابعاد گسترده‌ی وجودی او نیست و نخواهد بود، چه به زعم رسول خدا که بسم الله علی علیه السلام فرمود:

يَا عَلِيُّ!

مَا عَرَفَ اللَّهُ إِلَّا أَنَا وَأَنْتَ

وَمَا عَرَفَنِي إِلَّا اللَّهُ وَأَنْتَ

وَمَا عَرَفَكَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَا.

یا علی!

کسی خدای را شناخت جز من و تو،

و کسی من را شناخت جز خداوند و تو،

و کسی تو را شناخت جز خداوند و من.

این است که آن ولی الله المطلق و آن آیت الله الکبری و اکبر آیات خداوند برای همه ناشناخته است و ناشناخته بودنش از

طرفی به خاطر پارادوکسیکال بودنش است که مستجمع جمیع صفات کمالی به ظاهر متناقض و متضاد است، و از طرفی فراگیری و گستردگی بیش از حد صفات و حضور اوست که عقول عاقلان و خیال خيال پردازان از پریدن به آن رفعتش عاجز و از دست یابی به کمالات لایتناهی او ناتوان اند.

او را چون عوام درویشان و ساده لوحان، خدا نمی توان انگاشت که خداوند بی نهایت بزرگ تر از اوست، و او که محو و ذوب در حضرات حق شده نیز برایش حدّ یقف و حدّ و حصری متعین و شناخته وجود ندارد، آری او نیز بشر است اما به تعبیر زیبای ملاعلی خوینی: «این بشر است ولی چه بشری!

هَذَا عَلِيٌّ بَشَرٌ كَيْفَ بَشَرٍ

بِهَذَا فَتَنِي وَظَلَمِي

مَا هُوَ اللَّهُ وَلَكِنْ مَثَلًا

مَعَهُ اللَّهُ كُنْتُ وَجْهِي

او کسی است که خداوند در وجود او تجلّی کرده و در او ظاهر شده است. او قهراً خدا نیست ولی کسی هم نمی تواند بگوید که او خدای گونه نیست، رابطه ی او با خداوند به مانند رابطه ی آتشی است که در درون سنگ است. چنان که اشارت دادم در نظر رسول خدا (ص)، شخص امام علی (ع) ذوب شده و محو گشته در ذات خداوند است و فهم چنین انسانی طبیعتاً سخت و

دشوار است، ولی از عجایب و دشواری‌ها این است که او در لباس بشری انسانی خاکی، و نه خاکی که پدر خاک است: ابو تراب! که در قرآن در وصف دوزخیان که به بدبختی و فلاکت رسیده‌اند، و گویا در آنجا به این معرفت راه یافته‌اند که چرا بدین - و روز افتاده‌اند، لذا بر زبان جاری می‌کنند که: «یا لیتنی کنت ابراهیم». ای کاش که خاک بودمی! و خاک بودن یعنی تحت سلطه و نظر او تراب بودن، که هر کسی خاک راه وی شود و با وی همراه گردد و در تمامی احوال در برابر او تسلیم و خاشع و افتاده باشد هرگز به دربر نمی‌افتد، دوزخیان دشمنان علی هستند و دوستان او هرگز راهی بر مردم دوزخ نمی‌گردند.

از فرط توجه خداوند عزیز به او، کریم به آن عزیز بی‌مانند بسیاری به حسادت و کینه‌ی او پرداخته و از ره نفرت و دشمنی در آمدند و به‌جای این که آن ستاره‌ی خدا و نبی را دوست بگیرند و بستایند عَلم دشمنی برافراختند و رعایا او داد سخن دادند و ساحت سخن را به بدگوییِ حضرتش آلودند. وقتی به تاریخ می‌نگریم و منابع و مآخذ را مرور می‌کنیم به سهات دشمنان او را و انگیزه‌های دشمنی با او را می‌یابیم، که دشمنان او و کسانی که او را دوست نمی‌دارند به‌زعم روایات از سه دسته خالی نیستند:

۱- منافقان

۲- کافران

۳- ناپاکان

که در روایات بسیار آمده است:

یا علی!

لَا یُحِبُّکَ الْآمُؤِنُ،

و لَا یُبْغِضُکَ الْآمِنَافُ.

و نیز:

یا علی!

لَا یُبْغِضُکَ الْمُؤْمِنُ،

و لَا یُحِبُّکَ الْمُنَافِقُ.

و نیز فرمودند:

أَنَّ حُبَّ إِيْمَانٍ وَبُغْضَهُ كَذِبٌ.

و نیز فرمودند:

عنوان صحیفه المؤمن یوم القیامه حبّ علی و ابی طالب.

و آن جان جانان خود در عبارتی فرمود:

لَوْ ضَرَبْتُ خِشْمَ الْمُؤْمِنِ بِسِيفِي هَذَا عَلَيَّ أَنْ يُبْغِضَنِي مَا أَبْغَضَنِي وَلَوْ صَبَبْتُ

الدُّنْيَا بِجَمَاتِهَا عَلَيَّ الْمُنَافِقُ أَنْ يُحِبَّنِي مَا أَحَبَّنِي.

در روایات همان طور که بیان شد هر دودسته یاد شده هم منافقان و

هم منافقان و هم این که این هر دو گروه باطل از جمله دشمنان امام

علی (ع) محسوب می گردند. در اینجا به تفکیک برای هر گروه

روایاتی را نقل می کنیم تا خواننده ی محقق به راحتی با آن آشنا

گردد.